

همیشه‌ی گزارتش



گزارشی از سبک و سیاق زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی

هم اتاقی با نیچه در خیابان کارگر شمالی!

گزارش

رابعه تیموری

روزنامه‌نگار

آموزش و پرورش هم کار می‌کند. اتاق آقای دکتر کردتبار برخلاف اغلب همسایه‌هایش همیشه پاکیزه و مرتب است و اگر مهمانی سرزده در اتاقش را بزند او خوب آبروداری می‌کند. البته بساط پذیرایی‌اش در روی خوش و گشاده‌اش خلاصه می‌شود و در یخچال قدیمی گوشه اتاقش به رسم دوران مجردی فقط چند تخم‌مرغ و قالب پنیری نصفه نیمه وجود دارد. تحصیل آقای دکتر در رشته نقشه‌برداری طبع فیلسوف‌مانه‌اش را کور نکرده و به جملاتی از نیچه و گوته که روی دیوار اتاقش نوشته سخت اعتقاد دارد: چنان زندگی کن که مشتاق تکرار جدی آن باشی، بمیر تا زندگی کنی...» در میان آفادکنرهای آینده این مجتمع کمتر کسی یافت می‌شود که در کنار درس خواندن، شغلی دانشجویی نداشته باشد و مشغله درس و کار وقتی برای دیدن و بازدید و دوره‌های شبانه‌هایش باقی نمی‌گذارد، ولی باز هم گاهی سرسنگینی ژست دکتری را کنار می‌گذارد و به بهانه جشن تولدی خودمانی مجتمع را خوب به هم می‌ریزند.

هم اتاقی‌های متفاوت

از محل سکونت پرویز فتاحی تا خوابگاه حامد نظری و آریا حبیبی چند معبر کوتاه و بلند وجود دارد که روی تابلوی ابتدای آنها نام اشخاص، مکان‌ها یا وقایع مشهور نوشته شده است. در راهرو مجتمع رخت‌آویزهای پر از لباس‌های شسته کنار هم ردیف شده‌اند و فراوانی تعداد دمپایی‌ها و کفش‌های پشت در اتاق‌ها نشان می‌دهد اینجا اتاق خالی یافت نمی‌شود. گنجانده شدن همه معلومات دانشجویان در حافظه لب‌تاپ‌های جمع و جور، سبب شده کتاب‌هایشان بخش زیادی از کمدهای دراز و باریک چوبی‌شان را اشغال کنند و بتوانند لباس‌های بیرون‌شان را که نونوارترین و مرتب‌ترین وسایل‌شان

است به راحتی بالای سر کتاب‌ها بچینند. در اتاق انتهای راهرو که چند اجاق گاز قرار گرفته و حکم آشپزخانه مجتمع را دارد، فضای برای گذاشتن قاشق و کاسه و بشقاب یافت نمی‌شود و ساکنان خوابگاه باید وسایل مختصر آشپزی‌شان را که میان فارغ‌التحصیلان دوره‌های گذشته دست‌به‌دست چرخیده و امروز به آنها رسیده در همان گوشه‌های شخصی‌شان بگذارند، البته در میان پسرهای درسخوان مجتمع کمتر کسی پیدا می‌شود که در بساط پخت‌وپزش چند ظرف نشسته پیدا شود. آقاجامد که در زندگی خوابگاهی تجربه‌ای چندین ساله دارد، با دانشجویان زیادی هم‌اتاقی بوده و خوب می‌داند اگر هم‌اتاقی‌اش عادت دارد سر شیب در سکوت و تاریکی بخوابد، سایر هم‌خانه‌هایش نمی‌توانند با خیال آسوده یک ماست‌خوری ملامین پر از تخمه آفتابگردان وسط خودشان بگذارند و ساعتی با هم می‌بازند و شرح بازی کنند تا برای مطالعه مطالب درسی سخت و چغران حوصله پیدا کنند. آقاجامد می‌داند که اگر رشته و مقطع تحصیلی هم‌اتاقی‌ها متفاوت باشد، اختلاف‌سلیقه‌ها و دردسرها بیشتر می‌شود و به همین دلیل هم از تمام خوابگاه آریا حبیبی را به‌عنوان هم‌اتاقی‌اش گلچین کرده که مثل خودش از رتبه‌های برتر مقطع ارشد رشته فیزیک‌پوی و ورزشی است. این هم‌اتاقی حامد اهل سندانج است و آقای ورزشکار در طول این سال‌ها به لطف داشتن هم‌اتاقی‌های مختلف با فرهنگ و خلق و خوی آدم‌های چهار گوشه کشور آشنا شده است. پسران پرشور و شور خوابگاه دانشجویان مقطع ارشد سرشان درد می‌کند که به بهانه تولد یا جشن موفقیت‌های تحصیلی هم‌کلاسی‌هایشان دور هم جمع شوند، ولی اگر یکی از آنها از سر بازی روزگار از قافله مجردها جدا شود، مراسمی که برایش تدارک می‌بینند بیش از آنکه شبیه جشن باشد به مراسم تشییع و انذار شباهت دارد!

نوساز نیستند

مجتمع‌های قدیمی کوی دانشگاه در زمان جنگ جهانی دوم و به‌عنوان اردوگاه سربازان آمریکایی ساخته و پس از خروج سربازان آمریکایی در آذر سال ۱۳۲۴ به خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران تبدیل شده‌اند، اما حتی معماری مجتمع‌هایی که کم‌عمرترند هستند و از آنجا که اولویت واگذاری خوابگاه یک راهرو باریک، چند اتاق کوچک و بزرگ، حمام‌هایی شبیه حمام‌های نمره و تعدادی سرویس بهداشتی خلاصه می‌شود. سرمای هوا باعث شده دم و دستگاه ورزشی وسط حیاط مشتری نداشته باشد، اما سوپرمارکت‌ها و مراکز خرید آنقدر برای پسران دانشجویی کوی در دسترس هستند که برای خریدهای ضروری خود حاجتی به پوشیدن رخت و لباس رسمی ندارند، البته اگر به اندازه چند لحظه هم بخوانند از کوی خارج شوند باید برای گذر از گیت ورودی، حتما کارت ورود و خروج خود را همراه داشته باشند.

کوی دختران

مجتمع خوابگاهی دخترها چند متری با خوابگاه پسران فاصله دارد. این مجتمع مانند خانه‌های جنوبی ساخته شده و از دم در تا ساختمان خوابگاه دانشجویان ارشد از حیاط خبری نیست. در میان اتاق‌هایی که در راهرویی تنگ و باریک مجتمع دانشجویان مقطع ارشد ردیف شده‌اند، فقط از اتاق میهمانسرا صدای اختلاط دخترها به گوش می‌رسد. این روزها که فصل تعطیلات بین ۲ ترم دانشجویان است، تعداد زیادی از ۲۱ تخت این اتاق خالی است، ولی آنها را نه میزی برای من باقی مانده و نه کمدها! گرفتن از دانشگاه انصراف دهم و به شهرم اصفهان برگردم، اما هم‌اتاقی‌هایم فوراً بهترین و بزرگ‌ترین میز و کمد را برایم خالی کردند تا از تصمیم منصرف شوم.

خوابگاه



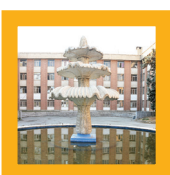
مجتمع‌های قدیمی کوی دانشگاه تهران در زمان جنگ جهانی دوم و به‌عنوان اردوگاه سربازان آمریکایی ساخته و پس از خروج سربازان آمریکایی در آذر سال ۱۳۲۴ به خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران تبدیل شده‌اند، اما حتی معماری مجتمع‌هایی که کم‌عمرترند و مسال‌ها پس از این تاریخ ساخته شده‌اند به یک راهرو باریک، چند اتاق کوچک و بزرگ، حمام‌هایی شبیه حمام‌های نمره و تعدادی سرویس بهداشتی خلاصه می‌شود.



در اتاق انتهای راهرو که چند اجاق گاز قرار گرفته و حکم آشپزخانه مجتمع را دارد، فضای برای گذاشتن قاشق و کاسه و بشقاب یافت نمی‌شود و ساکنان خوابگاه باید وسایل مختصر آشپزی‌شان را که میان فارغ‌التحصیلان دوره‌های گذشته دست‌به‌دست چرخیده و امروز به آنها رسیده در همان گوشه اتاق شخصی‌شان بگذارند، البته در میان پسرهای درسخوان مجتمع کمتر کسی پیدا می‌شود که در بساط پخت‌وپزش چند ظرف نشسته پیدا شود.



در راهروی مجتمع رخت‌آویزهای پسران لباس‌های شسته کنار هم ردیف شده‌اند و فراوانی تعداد دمپایی‌ها و کفش‌های پشت در اتاق‌ها نشان می‌دهد اینجا اتاق خالی یافت نمی‌شود. گنجانده شدن همه معلومات دانشجویان در حافظه لب‌تاپ‌های جمع و جور، سبب شده کتاب‌هایشان بخش زیادی از کمدهای دراز و باریک چوبی‌شان را اشغال کنند و بتوانند لباس‌های بیرون‌شان را که نونوارترین و مرتب‌ترین وسایل‌شان است به راحتی بالای سر کتاب‌ها بچینند.



سنگینی سرمای زمستان روی فضای حیاط بردار و درخت کوی دانشگاه سایه انداخته و معابر کوتاه و بلند است، خلوت و کم‌رفت‌و‌آمد است، اینماهای وسط حیاط پر آب هستند و هم‌اندازه بودن قامت مجتمع‌های خوابگاهی آجرنمایی که دور تداور حیاط قد کشیده‌اند، شکل و شمایلی منظم و شهرک‌مانند به کوی بخشیده‌اند. اتاق‌های دانشجویانی که امروز یا فردا باید آقای دکتر صدایشان کنیم، ته مجتمع و در مسایلی که ورودی فرعی قرار گرفته نامرتب به چشم نمی‌خورد.

همسایه

آبروداری به رسم ایرانیان



اینجا هم به رسم میهمان‌نوازی ایرانیان سبب شده بهترین داشته‌های خود را در اختیار میهمانان‌شان قرار دهند و در حالی که سایر اتاق‌های کوی دختران به موکتی کم‌جان فرش شده‌اند، اتاق‌های دانشجویان بین الملل فرش و زین‌آر‌های مرتب‌تر دارند، خلوت‌تر هستند و کمد و میزهای چوبی‌شان اگر چه چنگی به دل نمی‌زنند، اما از وسایل اتاق‌های دانشجویان ایرانی نونوارترند ای هانگ ژانگ یکی از میهمانان خوابگاه دختران است که ۲ هم‌اتاقی دیگرش اهل کشورهای عراق و افغانستان هستند. شاید حشر و نشر فراوان با ایرانیان مقیم چین سبب شده دختر متین و پرحوصله چینی برای ادامه تحصیل راه کشور ما را در پیش بگیرد، اما ای هانگ ژانگ معتقد است «باز فارسی او را انتخاب کرده» و به چرخش خودمختار تقدیر، دانشجوی رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران شده است. با آن که یک‌سال از سکونت و تحصیل ای هانگ در ایران می‌گذرد، هنوز بسیاری از سؤال‌ها و کنجگویی‌های او در باره فرهنگ و آداب و رسوم هم‌کلاسی‌های فارسی‌زبان‌ش بی‌جواب مانده است. فاصله زیاد ایران و چین باعث شده ای هانگ حتی در روزهای عید مخصوص چینی‌ها در خوابگاهش بماند و همراه چند دانشجوی هموطنش سفرهای پر از خوراکی‌ها و غذاهای وطنی بچینند و این اعیاد را جشن بگیرند. مرضیه موسوی و دانشجویان هموطنش برای تحصیل در ایران از دانشجویان سایر کشورها مشکلات کمتری دارند. او اهل افغانستان است، اما از آن‌جا که لباس‌های بیرون‌شان را که نونوارترین و مرتب‌ترین وسایل‌شان است به راحتی بالای سر کتاب‌ها بچینند.

عکس‌ها: همسایگی حامد نظری و پرویز فتاحی